

از دیدن همدیگر ذوق می‌کردیم

فرزند شهید مدافع حرم ابوالفضل نیکزاد

عبطین سور به علی تنها فرزند شهید مدافع حرم ابوالفضل نیکزاد است. او که حالا ۱۰ساله دارد، هنگام شهادت پدر، ۲/۵سال بیشتر نداشت. شناخت علی از پدر به خاطرات خانواده و صحبت‌های مادرش بازمی‌گردد. علی از شناختی که از پدر به دست آورده است، اینگونه حکایت می‌کند و می‌گوید: پدرم ابوالفضل نیکزاد بسیار مهربان، شوخ‌طبع و اهل معاشرت بود. تمامی کارها را به خوبی مدیریت می‌کرد و بسیار به فکر خانواده و اطرافیان بود. فردی امیدوار و اهل برنامه‌ریزی بود. پدر من بعد از حضور در جبهه مقاومت در ۲۳ تیر ماه سال ۱۳۹۵ در منطقه عبطین در شهر حلب در کشور سور به شهید شد.

«وارث نون حلال» علی در ادامه می‌گوید: من با قدم گذاشتن در مسیری که پدرم پیمود و پایبندی به علائق و رهروی از توصیه‌هایی که ایشان در مورد من به مادر داشتند، از جمله انجام کارهای فرهنگی راهش را ادامه خواهم داد. فرزند شهید مدافع حرم در ادامه از راهیایی‌اش در گروه سرود «وارث نون حلال» می‌گوید: بعد از اینکه مادرم اطلاعیه دعوت از فرزندان شهید جهت تهیه سرود برای روز شهید را برایم خواند، من مشتاق شدم در این گروه کنار دوستان خوبم حضور داشته باشم. بعد از پیگیری توانستم همراه بچه‌ها شوم تا به توصیه پدر در کارهای فرهنگی سهیم باشم.

همه فرزندان شهید علی نیکزاد در ادامه از روند تولید این اثر هنری می‌گویند: بعد از همراهی و آشنایی با گروه در روزهای تمرین کنار بچه‌ها حضور پیدا کردم. بچه‌هایی که در گروه بودند همگی فرزندان شهیدای مدافع حرم بودند. ما چند روز، پشت سر هم به صورت فشرده، در تمرینات شرکت کردیم، اما از آنجا که اولین تجربه ما بود، مشکلاتی داشتیم ولی خدا را شکر با حضور یک تیم خوب از گروه ما و کار با موفقیت به سرانجام رسید. مسئولان کار با صبوری توانستند این کار را به سرانجام برسانند، آنها در مقابل شیطنت‌ها و بازگوشی‌های بچه‌ها صبوری می‌کردند، هر چند تمرین‌ها هم فشرده و گاهی خسته‌کننده بود، اما با اشتیاق فراوان در جلسات تمرین شرکت می‌کردیم.

دعای خیر پدران شهید این فرزند شهید در ادامه می‌گوید: همه بچه‌های حاضر در گروه سرود بر این باور بودند که قطعاً دعای خیر پدران شهیدمان همراه ماست و این کار به نتیجه خوبی خواهد رسید. الحمدلله توانستیم کار را به نمر برسانیم و در عرصه فرهنگی و در مسیر اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت که مدنظر حضرت آقا است، گامی برداریم.

در ادامه سرود ما مورد استقبال قرار گرفت و چندین بار هم از تلویزیون و در فضای مجازی منتشر شد. ما اخیراً در محضر حضرت آقا در دیدار اخیر نشان یا فرماندهان سپاه این سرود را همخوانی کردیم که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

شیطنت بچه‌ها علی نیکزاد در ادامه از حس و حال خوبی که بچه‌های سرود در بهشت زهرا داشتند، اینچنین می‌گوید: برای من حضور در گلزار شهیدان حس بسیار خوب و افتخار آمیز داشت. البته خاطر‌هایی هم داشتیم، مثلاً اینکه من و بقیه بچه‌ها در فواصل بین ضبط

سرود می‌رسانند، اما با تمام وجود تلاش می‌کردم و زحمت می‌کشیدم. در مجموع کل کار یک هفته بیشتر زمان نبرد. گروه شاد، پر نشاط و محفلی بسیار دوست‌داشتنی بود، چون همه حس و حال یکدیگر را درک می‌کردند. افرادی هم که گروه را همراهی می‌کردند، با فرزندان شهید همراه و همدل و مهربان بودند. به نظر من برای تبیین مسیری سیره شهیدای بسیار می‌توان از کارهای فرهنگی نظیر سرود و نمایش بهره برد، چون بسیار تأثیرگذار است. قطعاً پدر زینب کارهای فرهنگی او را دیده و دعای خیرش همراه بچه‌های گروه سرود بوده است. زینب به عنوان فرزند شهید راه پدر را ادامه خواهد داد و ان‌شاءالله بتواند در این مسیر از یاران امام زمان (عج) باشد. او با همین حافظ قرآن بودنش، برای هم‌سن‌وسالان خود هم مروج قرآن است و هم عامل به قرآن. او سعی دارد ادامه‌دهنده راه پدر باشد.

مفقودالتری در خان طومان حبیب‌الله متولد ۲۸ دی سال ۱۳۶۲ است. او در سال ۱۳۹۵

سرود مشغول بازی و شیطنت می‌شدیم و کلی به ما خوش می‌گذشت. گاهی مسئولان گروه هم با ما هم‌بازی می‌شدند، البته گاهی هم به خاطر شیطنت زیاد ما اذیت می‌شدند، اما به ماجیزی نمی‌گفتند.

دغدغه کار فرهنگی ایشان در ادامه افزود: من از طرف تمام فرزندان شهید، از گروه سازنده این سرود تشکر می‌کنم و امیدوارم دعای خیر پدران شهیدای مان شامل حال این عزیزان شود، چون دغدغه کار فرهنگی برای شهید داشتند. قطعاً پدرم شاهد تمام کارهای من است و از انجام این قبیل کارهای فرهنگی من خوشحال می‌شود و دعای خیر و نگاه ویژه‌اش بدرقه راهم خواهد بود. علی نیکزاد فرزند شهید مدافع حرم ابوالفضل نیکزاد در پایان از آرزوهایش می‌گوید: من خیلی به فوئبال علاقه‌مندم، تلاش می‌کنم در رقابت‌های جهانی شرکت داشته باشم و برای تیم ملی کشورم گلزنی کنم و به شهیدای عزیزم مدافع حرم تقدیم کنم. ان‌شاءالله.

متولد تهران در ادامه مصاحبه‌ام با علی با مادرش هم همراه می‌شوم تا به همین بهانه بادی کنیم از همسر شهیدش ابوالفضل نیکزاد تا از چرایی حضورش در جبهه مقاومت بگوییم: ابوالفضل نیکزاد دوم تیر ماه سال ۱۳۶۳ در تهران متولد شد. من احساس می‌کنم سوری به رفتن همسر من علاوه بر دفاع از حریم حضرت زینب(س) به دلیل دغدغه‌مندی و احساس مسئولیت بسیار زیاد ایشان نسبت به جامعه بشری بود و از آنجا که من نسبت به روحیات ایشان شناخت کافی داشتم، می‌دانستم ایشان اگر تصمیمی می‌گیرند، تمامی جوانب آن را می‌سنجند و چون با دید باز



فرزند شهید نیکزاد در آموش حاج قاسم



فرزند شهید نیکزاد در آموش حاج قاسم

تصمیم می‌گیرند، در مسیر خود ثابت قدم هستند، در نتیجه من به تصمیمات ایشان اعتماد کامل داشتم. ایشان بسیار خانواده‌دوست، اهل شوخی و مزاح، مدبر بسیار قابل، بسیار امیدوار به زندگی، اهل انتقاد سازنده و ارائه راهکار و بسیار پایبند به قوانین و مقررات بودند.

۲۳ تیر سال ۱۳۹۵ همسر شهید می‌گوید: ابوالفضل یک بار به مدت ۳۰ روز در جبهه سور به حضور داشت و در تاریخ ۲۳ تیر سال ۱۳۹۵ به فیض شهادت نائل آمد. قبل از رفتن به سور به مورد حمایت و بی‌حرمی‌هایی که اتفاق افتاده بود صحبت می‌کردند، اما وقتی خودشان در سور به بودند، برای اینکه مانگران شان نشویم، می‌گفتند همه چیز آرام و منطقه امن است. مزار ایشان در قطعه ۵۲ بهشت زهرا (ردیف ۸۷ ب، شماره ۱۵) است.

صغری خیل فرهنگ

اولین همکاری دانشنامه شهیدای ایثارگران (ایثارگران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) با «شهر سرود» مرکز آوای انقلاب اسلامی (ماوا) با هدف قدر دانی و زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدای مدافع حرم در پروژه «وارث نون حلال» رقم خورد. دانشنامه شهیدای ایثارگران که قصد داشت به مناسبت سالگرد شهادت «شهید حججی» و بزرگداشت «شهیدای مدافع حرم» نماهنگی را ضبط و تولید کند، سراغ فرزندان شهیدان رفت و با همکاری مرکز ماوا به بررسی‌های میدانی و استعدادیابی و تعامل با این عزیزان پرداخت و گروه سرودی را تحت نظر مجموعه «شهر سرود» تشکیل داد. در این پروژه فرزندان شهیدای مدافع حرم: ابوالفضل نیکزاد، محمد محمدی، مهدی قاضی‌خانی، محمود نریمانی، مهدی حیدری، اکبر شهریاری، محمدحسین محمدخانی، حسین جوینده، ابوذر داودی، علی یزدانی، میثم مدواری، جلال ملک‌محمدی، علی آقاعبداللهی، پوریا احمدی، حبیب‌الله شیرینی جعفرزاده و حجت‌الله نوچمنی در ستایش رشادت و مردانگی پدران شان گرد هم آمدند و گروه سرودی متفاوت را خلق کردند. قطعه‌ای که برای همخوانی این گروه سرود در نظر گرفته شده بود، قطعه «وارث نون حلال» از نوحه‌های حاج میثم مطیعی به قلم «محسن رضوانی» و «قاسم صفران» است. لوکیشن فیلمبرداری این نماهنگ «مزار شهیدای بهشت زهرا تهران» بود و فرزندان شهیدای بر سر مزار پدران شان ضبط نماهنگ را انجام دادند. این نماهنگ در روز ۱۸ مرداد ماه ۱۴۰۲ که مصادف با سالروز شهادت «شهید حججی» و «گردبادش» شهیدای مدافع حرم بود، ساعت ۱۴ ظهر در تمامی شبکه‌های صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و فضاهای مجازی منتشر و با باز خورد خوبی از سوی مردم روبه‌رو شد. سراغ تعدادی از فرزندان شهید حاضر در این گروه سرود رفتیم تا از حال و هوای شان در تهیه و اجرای سرود «وارث نون حلال» بپرسیم. متن پیش رو حاصل همکاری ما با فرزندان شهیدای مدافع حرم ابوالفضل نیکزاد، حبیب‌الله شیرینی و مهدی قاضی‌خانی است.

گفت‌وگوی «جوان» با اعضای گروه سرودی که همگی فرزندان شهیدای مدافع حرم هستند

«وارث نون حلال» را درستایش رشادت پدران مان سرودیم



فرزند شهید حبیب‌الله شیرینی قلم‌عکس پدر را به دست دارد

فقر! بود. حبیب‌الله همانند یک پشتوانه کامل و همانند یک کوه برای من بود. تمام تلاشش را می‌کرد که من شاد باشم. صحبت کردن از شهید و همسر شهیدم کار من نیست، چون آنها ویژگی خاصی داشتند. حبیب‌الله چیزی برای روزمندان جبهه مقاومت که این شرایط را دارند، چیزی طبیعی است. مجرد وحیثش را که دیدم، بیشتر نگران شدم اما هرگز دلم نیامد بگویم ترو. همه خصوصیات حبیب‌الله را کنار هم بگذارید و حالا ببینید نبود چنین آدمی چقدر سخت خواهد بود. مگر می‌شود کسی همه زندگی‌اش را از دست بدهد و بعد بگوید سخت نیست، نه اینطور نیست. خدا و خود شهید کمک کرده‌اند، این چند سال نبودش را با مشغول کردن خودم و زینب به قرآن سرگرم و سعی کردم با تربیت زینب در مسیر قرآن کمی از دین خود را به همسرم ادا کنم.

در خان طومان مفقودالتری شد. هرگز مانع جهادش نشدم، چون نمی‌توان به کسی که باور و اعتقادش اسلام و دفاع از حریم اهل بیت(ع) است، گفت بمان و نترس. انقدر آقا حبیب‌الله را دوست داشتم که نمی‌توانستم روی حرف او نه بیاورم. حبیب‌الله همیشه آرزوی شهادت داشت. از زمانی که جنگ در سور به شروع شد، سالی یک یا دو بار به ما موریت می‌رفت. هر باری که از منطقه می‌آمد، از شرایط آنجا برای ما تعریف می‌کرد. دو روز بعد از اینکه هیچ تماسی با ما نداشت، نگران شدیم، بعد متوجه شدیم در خان طومان عملیات شده است، بعد هم از محل کارش آمدند و گفتند حبیب‌الله مفقودالتری شده و هیچ خبری از او نیست. همسرم مزاری ندارد و کماکان مفقودالتری است. نبودن‌هایی که سخت می‌گذرند برای او ایمن و اخلاق در مرحله اول بود. مهربان بود. اهل صلح، نماز اول وقت و نماز شب بود. اهل کمک به

کاش من هم در این گروه سرود بودم!

فرزند شهید مدافع حرم مهدی قاضی‌خانی

رزمندگان سنگر فرهنگی نهال قاضی‌خانی فرزند شهید مدافع حرم مهدی قاضی‌خانی است. بسیاری او را می‌شناسند، همان دختر سه‌ساله‌ای که در یکی از دیدارها با حضرت آقا از ایشان کلاه‌صورتی درخواست کرد و نهایتاً یک کلاه‌صورتی هم از ایشان هدیه گرفت. نهال این روزها در گروه سرود وارث نون حلال، عشق به شهید را زمزمه می‌کند. نهال و دیگر فرزندان شهید در سنگر فرهنگی سلاح به دست گرفته و پادر رکاب ولایت مانده‌اند. آنها امروز در خط مقدم توصیه‌های رهبری هستند که سفارش‌های زیادی به اهل هنر برای تبیین مسیر و سبزه‌وسبک زندگی شهید داشتند.



شهید قاضی‌خانی و فرزندانش

۳ساله و درد تبیمی نهال سه سال بیشتر نداشت که پدرش را در خان طومان از دست داد. او می‌گوید: من سه‌ساله بودم که درد تبیمی را چشیدم. گاهی روضه حضرت رقیبه(س) را زمزمه می‌کنم؛ فرزند سه‌ساله امام حسین(ع) که در شهادت پدر بزرگوارشان مصیبت‌ها کشیدند. امروز ۱۱سال دارم و در مسیر نورانی پدر قدم برمی‌دارم. من تصمیم دارم فرزند خوبی برای خانواده و کشورم باشم. تمام تلاش من این است که زنده‌جبهه فرهنگی باشم و بتوانم الگوی ماندگاری برای هم‌سن‌وسالانم شوم. حضرت آقا می‌فرمایند: زنده‌نگه داشتن یاد شهید کمتر از شهادت نیست. ما فرزندان شهیدای پدران مان و شهیدای را باید زنده نگه داریم و به وصیت‌نامه شهید عمل کنیم.

دعای پدران آسمانی او در مورد علاقه‌ای که به حضور در گروه‌های سرود دارد، می‌گوید: هر وقت در تلویزیون گروه‌های سرود را می‌دیدم، به خودم می‌گفتم ای کاش من هم در این گروه سرود بودم. خدا را شکر باز دیگر خدا و شهیدای خواسته‌ام را بر آورده کردند. ما فرزندان شهید هر وقت یکدیگر را می‌دیدیم، ذوق می‌کردیم. خاطرات خوبی برای ما رقم خورد. دوستان خوبی پیدا کردیم. در کنار هم بودیم، همدیگر را روحیه می‌دادیم و دلگرم می‌کردیم. تک‌تک ابیات این سرود با حال و هوای ما عجیب بود. چه کسی می‌تواند چون ما معنای سنگ مزار شهید، بوسه بر آن و درددل کردن با آن را بداند. ما خیلی خوب این صحنه‌ها را درک کرده‌ایم. مطمئن هستیم که پدران شهیدمان از آسمان ناظر ما بودند و به ما افتخار می‌کنند. شهید مهدی قاضی‌خانی در ۱۶ آذر ماه ۱۳۹۴ در منطقه خان طومان به شهادت رسید.